روایت تلخ پاس‌کاری یک مبتلا به سرطان در بیمارستان‌های مشهد

رنج نامه یک بیمار سخت

محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir



بیمارگردانی پشت درهای بیمارستان‌های شهر و پاس‌کاری از این بیمارستان به آن بیمارستان، زخم کهنه‌ای است که هر روز در گوشه‌وکنار این شهر دهان باز می‌کند اما برای درمانش گویی هیچ نسخه‌ای پیدا نمی‌شود. این تجربه تلخ را کمتر کسی است که در پروسه درمان و بستری یکی از عزیزانش نچشیده باشد. حال اگر بیمار بی‌سرپرست باشد و نیازمند، این پروسه درمان و بستری، حکایتی غریب و جان‌سوز می‌یابد که آن را بخوانید: «غم‌نامه یک بیمار». آنچه در ادامه روایت می‌شود، غم‌نامه زنی تنها و بی‌سرپرست در حاشیه شهر است که بعد از چند شبانه‌روز درد کشیدن، گروهی نیکوکار او را پیدا می‌کنند اما برای درمان این بیمار هیچ‌کدام از بیمارستان‌هایی که به آنجا مراجعه می‌کنند، حاضر به پذیرش نمی‌شوند.

از جاده سیمان به بیمارستان هاشمی‌نژاد

سرطان به روزهای خوره انداختنش به جان مرضیه رسیده است و درد امانش نمی‌دهد. مرضیه ۴۴سال بیشتر ندارد. پدر و مادرش از دنیا رفته‌اند و خواهر و برادر یا بستگان دیگری در مشهد ندارد. او این روزها تنهاتر از هر زمانی است. زخم‌های سرطانی شروع به خون‌ریزی کرده‌اند و ناله‌های این زن بی‌سرپرست به هیچ‌جا در گوشه‌ای از شهر نمی‌رسد. بسیج محله و گروهی از خیران صبح سه‌شنبه نوزدهم اسفند، او را در بستری که با مرگ پنجه می‌زند، پیدا می‌کنند. بعد از چند شبانه‌روز درد کشیدن، آن‌ها بلافاصله تصمیم به انتقال مرضیه به بیمارستان و آغاز درمانش می‌گیرند.

خانمی از گروه خیران پیش‌قدم می‌شود و او را به نزدیک‌ترین بیمارستان دولتی به جاده سیمان مشهد، یعنی بیمارستان هاشمی‌نژاد می‌رساند. کادر درمانی بیمارستان هیچ‌کاری جز بستن زخم‌های این بیمار انجام نمی‌دهند و اعلام می‌کنند که برای بستری باید بیمار را به بیمارستانی دیگر منتقل کنند. فرد نیکوکار می‌گوید که این بیمار بی‌پناه است و اگر امکان دارد در بیمارستان هاشمی‌نژاد برای درمان بستری شود. اما کادر درمان نمی‌پذیرند. همراه بیمار حتی خواهش می‌کند که حداقل یک آمبولانس باتوجه‌به وضعیت وخیم بیمار و اینکه توانایی راه‌رفتن و ایستادن ندارد، به او بدهند تا بیمار را به بیمارستان دولتی دیگری ببرد، اما قبول نمی‌کنند و می‌گویند خودتان با آمبولانس خصوصی، او را ببرید به بیمارستانی دیگر؛ زیرا ما فقط با دستور اعزام بیمار می‌توانیم آمبولانس بدهیم.

از بیمارستان هاشمی‌نژاد به بیمارستان قائم

مرضیه در میان تماس‌های تلفنی‌ای که فرد نیکوکار با این فرد و آن فرد برای جورشدن مبلغ پول آمبولانس برقرار می‌کند، خیلی آرام ناله می‌کند. خدا می‌داند ناله‌اش از درد خوره‌های سرطانی است که به جانش افتاده یا از درد بی‌کسی در یک شهر ۳میلیونی که حداقل برای تسکین بیماری‌اش، بیمارستانی او را نمی‌پذیرد. درنهایت آمبولانس خصوصی با تخفیفی که برای یک زن بی‌سرپرست و بی‌سرپناه قائل می‌شود، قبول می‌کند با هزینه ۲۲۰هزار تومان بیمار را به بیمارستانی دیگر منتقل کند. بیمار را به بیمارستان قائم، یکی از دو بیمارستان بزرگ دولتی شهر، می‌رسانند. او باز هم پشت سد بیمارستان می‌ماند و اعلام می‌کنند چون بیمار سرطانی است، ببرید به بیمارستان امید. آمبولانس خصوصی هم درگیرودار این ماجرا، بیمار را آنجا رها نمی‌کند و به همراه فرد نیکوکار او را تا بیمارستان امید منتقل می‌کنند.

از بیمارستان قائم به بیمارستان امید

مرضیه همچنان درد دارد و چشم‌هایش را بسته است؛ هم به روی دردهای زندگی و هم درد نداری، بی‌کسی و تنهایی و حالا بدتر از همه، دردِ بیماری. او و همراه نیکوکارش، ناامید از بیمارستان قائم با همان آمبولانس خصوصی راهی بیمارستان امید ویژه بیماران سرطانی می‌شوند. برخلاف امیدی که برای بستری و درمان داشتند، کادر بیمارستان امید، آن‌ها را ناامید می‌کند و از پذیرش بیمار سر باز می‌زند. کادر بیمارستان امید اعلام می‌کند که حتما باید دستور پزشک برای بستری بیمار باشد. بدون دستور بستری، امکان پذیرش نیست. اعلام می‌کنند باید ابتدا بیمار در درمانگاه بیمارستان پذیرش شود و اگر پزشک دستور بستری داد، بستری می‌کنیم. خانم نیکوکار حاضر می‌شود که این پروسه را پیگیری کند، اما در ساعت ۱۴ ظهر سه‌شنبه پزشکان درمانگاه هم نبودند و اعلام می‌شود که در روزهای زوج باید به درمانگاه مراجعه کنند و آن روز سه‌شنبه بود و روز فرد.

ناامید از بیمارگردانی و بازگرداندن بیمار به خانه

زن نیکوکار که از صبح، سه بیمارستان دولتی را با سروکله‌زدن با تیم‌های کادر بیمارستانی، سر کرده است، کلافه از این سردرگمی، از دیگر افراد گروه خیران می‌خواهد که بعد از یک نیم‌روز بیمارگردانی او، حالا فرد دیگری بیاید و جایگزین این حکایت بیمارگردانی شود. سریع‌ترین داوطلبی که می‌تواند خودش را به بیمارستان امید برساند، مردی جوان از گروه خیران است. او با ارتباطات رسانه‌ای که دارد، از گزارش۵ سیمای استانی و خبرنگار ما در روزنامه شهرآرا می‌خواهد که به موضوع این برخورد کادر بیمارستان‌ها در پذیرش یک بیمار نیازمند ورود پیدا کنند. این فرد نیکوکار به کادر بیمارستان امید هم اعلام می‌کند که اگر بیمار را پذیرش نکنند، او را جلو بیمارستان روی پارچه‌ای در بستر بیماری می‌گذارند و رسانه‌ها را خبر می‌کنند.

با جدی مطرح‌کردن این موضوع، بحث تا اتاق مدیر بیمارستان هم می‌رسد. مدیر بیمارستان اعلام می‌کند که برای بستری‌کردن بیمار باید پزشک دستور دهد. درنهایت مرد نیکوکار از مدیر بیمارستان می‌خواهد که حداقل یک آمبولانس برای انتقال او به بیمارستانی دیگر بدهند. ابتدا مدیریت بیمارستان قبول می‌کند و او آمبولانس خصوصی را تسویه می‌کند و آمبولانس می‌رود. بعد از چند دقیقه که قرار بود آمبولانسی از بیمارستان امید، این بیمار بی‌سرپرست را راهی کند، اعلام می‌کنند که در اختیار گذاشتن آمبولانس منتفی شد؛ زیرا این زن اگر در مسیر انتقال فوت کند، چون در بیمارستان آن‌ها پرونده نداشته است و بیمار آن‌ها محسوب نمی‌شود، برای آن‌ها مسئولیت دارد. درنهایت مرد جوان پارچه‌ای را روی صندلی عقب خودرو خود پهن می‌کند تا خون‌ریزی زخم‌های بیمار را نگه دارد و چاره دیگری جز برگرداندن بیمار به خانه نمی‌ماند.

تخت خالی نداشتیم!

خبرنگار شهرآرا همراه با تیم نیکوکاران، تماس‌های تلفنی با متولیان در مجموعه‌های مختلف برای رسیدگی به درمان این بیمار بی‌سرپرست را شروع می‌کند. ابتدا با دفتر مدیر بیمارستان امید تماس می‌گیریم. خانمی پاسخ می‌دهد و بعد از گفتن ماجرای بیمار، می‌گوید: تخت خالی نداشتیم. آمبولانس خواستند و ما دادیم تا بیمار را به بیمارستانی دیگر منتقل کنند. این ادعای دفتر مدیر درحالی مطرح می‌شود که همان قول آمبولانس را هم درنهایت اجرا نکرده بودند.

با بخش مددکاری بیمارستان امید هم تماس می‌گیریم. کارشناس این بخش می‌گوید: خیلی از بیماران سرطانی ما نیازمند هستند و حتی بی‌سرپرست هم داریم که گروه‌های نیکوکار هزینه‌های درمان آن‌ها را پرداخت می‌کنند. می‌پرسیم پس چرا این زن بی‌سرپرست را با حال وخمیش نپذیرفتید؟ پاسخی که داده می‌شود، این است که این بیمار هنوز در این بیمارستان پرونده ندارد. ابتدا باید برای بیمار پرونده تشکیل شود، سپس به مددکاری ارجاع داده شود. پاسخ‌هایی که می‌شنویم، فقط از یک روند اداری حکایت دارد، نه یک روند بیمارستانی و رسیدگی به حال بیماری که در بستر مرگ است!

این کار نماینده مجلس نیست اما انجام می‌دهم

نماینده گروه خیران جاده سیمان، در لا به لای تماس‌هایی که با سازمان‌های مختلف برای رسیدگی به حال این بیمار بی‌سرپرست داشت، با دفتر نماینده مشهد، حجت‌الاسلام نصرا... پژمان‌فر، هم تماس می‌گیرد. این نماینده هم قول پیگیری می‌دهد. پس از یک شبانه‌روز بیمارگردانی بی‌نتیجه، با دفتر این نماینده مشهد تماس می‌گیریم. این نماینده مجلس اعلام می‌کند که نامه‌ای برای معرفی بیمار به یکی از بیمارستان‌های دولتی مشهد می‌دهد تا بیمار را بستری و درمان کنند.

دوباره در راه بیمارستان هاشمی‌نژاد

چهارشنبه‌شب، بیستم اسفند، وضعیت مرضیه وخیم‌تر می‌شود. اورژانس بالای سرش می‌آید و باتوجه‌به حالش، او را به بیمارستان هاشمی‌نژاد می‌برد. همان بیمارستانی که یک روز قبل حاضر به بستری بیمار نشده بود، حالا مرضیه را بستری می‌کند. تا لحظه تنظیم این گزارش در روز شنبه بیست‌وسوم اسفند، او هنوز در بیمارستان بستری و درحال درمان است.

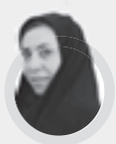
مرضیه تا همین چند وقت پیش، بی‌خانمان و کارتن‌خواب بوده است. او هیچ‌کس را ندارد. فقط پسرعمویی در یک شهر دیگر دارد که در حد توان خودش، کمک‌اجاره‌ای برای داشتن یک سرپناه در حاشیه شهر فراهم کرده است. بسیج محله جاده سیمان که برای بسته معیشت غذایی این زن تنها اقدام کرده‌اند، در بازدید از سرپناه او به خبرنگار ما اعلام کردند که جز پتویی سوخته و مندرس و فرشی کهنه و چند تکه وسیله خانه، هیچ چیزی در خانه این زن نبوده است. آن‌ها با تیم‌های خودجوش خیّران محله جاده سیمان، رساندن غذا را برعهده گرفتند و همچنین اداره آسیب‌های اجتماعی معاونت فرهنگی شهرداری را نیز خبر کردند که بعد از بازدید کارشناس این اداره، قرار شد آن‌ها هم برای رسیدگی به وضعیت این بیمار اقدام کنند. در پیگیری خبرنگار ما از اداره آسیب‌های اجتماعی معاونت فرهنگی شهرداری مشهد اعلام شد که آن‌ها مسئولیت بردن این بیمار به مراکز درمانی و بحث نقل و انتقال او را برعهده گرفته‌اند؛ همچنین با کمیته امداد و دانشگاه علوم پزشکی نیز وارد مذاکره شدند تا برای این بیمار، بسته حمایتی ویژه بیماران نیازمند فراهم شد.

نوروز پر رنگِ کوچه‌های شهر

روایتی از طرحی که می‌خواهد رنگ و روی تازه‌ای به کوچه‌های شهر ما بدهد

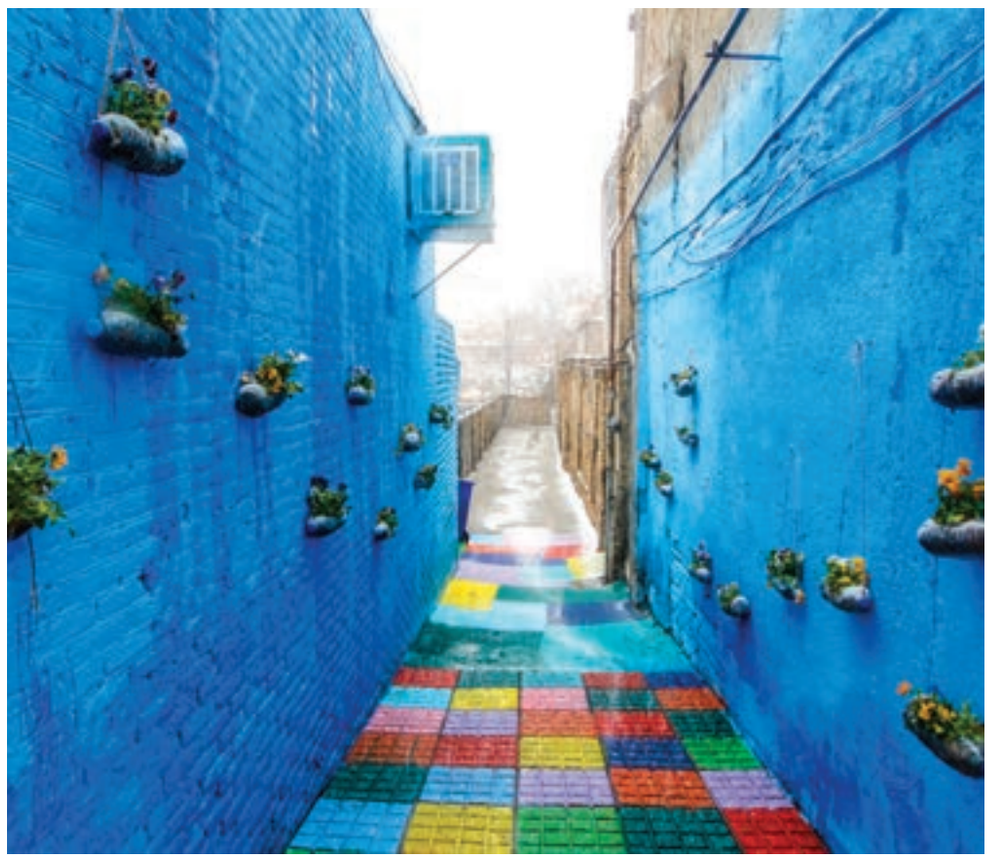
الهام مهدیزاده
e.mahdizadeh@shahraranews.ir

گزارش روز



بوی رنگ تازه و گل‌های شب‌بو و نم موزاییک‌های خیس کوچه‌هایی رنگی. بوی آشنایی که خاطرات آخرین روزهای سال را زنده می‌کند. خاطره بستن دستمال به سر برای گرفتن گردوغبار از در و دیوار تا بوی رنگ تازه نرده‌های باغچه‌ها. این بار بوی رنگ تازه و گل‌های شب‌بو از چندین کوچه منطقه۸ مشهد به مشام می‌رسد. گویی تکانی اساسی به کوچه داده‌اند. به در و دیوار کوچه‌ها رنگ زده‌اند. با رنگ آبی آسمانی که به دیوارهای کوچه زده‌اند، از همان سر کوچه، قدم‌های اول را آرام برمی‌داری. آرام آرام تا لابه‌لای قدم‌زدنت از بوی نم باران و گلدان‌های بَنفشه‌ای که با فاصله‌های نیم‌متری به دیوار نصب شده‌اند، لذت ببری. چندمتر جلوتر رنگ کوچه زرد می‌شود و گل‌های بنفشه، جای خودشان را به شب‌بوها می‌دهند. کوچه‌های رنگی منطقه۸، در زمستان بوی بهار می‌دهد. شهرداری مشهد، طرح کوچه‌های رنگی را از چندین کوچه منطقه۸ شروع کرده و قرار است رنگ‌ها در مشهد، سونامی بر پا کنند تا کوچه‌های رنگی رنگی جدید به شهرمان بدهند؛ رنگ زندگی، رنگ شادی...

*تیتر این گزارش، یک بند از سروده ساناز کریمی است.



عکس: سعید گلی | شهرآرا

از خاکستری تا رنگین‌کمانی

پیداکردن آدرسی که گفته‌اند، زیاد سخت نیست. نشانی سرراست است و خیابان، خیابانی آشنا برای همه مشهدی‌ها. کوچه‌های ۱۴ و ۱۶ خیابان شیرازی، دو کوچه‌ای است که در این چند روز با رنگ‌آمیزی و نصب گل‌های بهار، از رنگ خاکستری یکدست، به رنگین‌کمانی از رنگ‌ها تغییر رنگ داده است.

ورودی کوچه شیرازی ۱۴ و ۱۶ آبی‌رنگ است. رنگ این کوچه‌ها در وسعت بی‌رنگ خیابان شیرازی خودنمایی می‌کند. آن‌قدر که نگاه رهگذران پیاده خیابانی شیرازی را برای لحظات کوتاهی مهمان خود می‌کند. مهمان رنگ‌ها و گل‌هایی بهاری که با لوازم ساده به دیوار آویزان شده‌اند.

داخل کوچه شیرازی ۱۴ جدا از دیوار، موزاییک‌های کف را نیز رنگ کرده‌اند. شهروندی برای مدت بیشتر کنار کوچه شیرازی ایستاد. او از خاطراتی می‌گوید که با دیدن این کوچه‌های رنگی برایش دوباره زنده می‌شود؛ «وقتی این کوچه را دیدم، نمی‌دانم چرا یاد کوچه و محله خانه مادر بزرگم افتادم. خانواده مادری من اهل اسفیدان بجنورد هستند. نمی‌دانم اسفیدان رفته‌اید یا نه. فوق‌العاده زیباست. بچه که بودیم مثل این روزها لحظه‌شماری می‌کردیم که مدرسه‌ها را تعطیل کنند و با خانواده برویم خانه مادربزرگم. این دیوار من را به خاطرات عیدهای دهه ۶۰ برد. یاد آن کوچه‌ها و خانه‌ها. چقدر زود گذشت! واقعا کار شهرداری برای رنگ‌کردن کوچه‌ها و آویزان‌کردن گل‌ها زیباست و امیدوارم در همه محله‌ها کار کنند.»

چشمانمان رنگی شد!

بهشتی ۴۲ و کوچه بن‌بست شهید جباری، یکی دیگر از کوچه‌های منطقه۸ شهرداری مشهد است که رنگ‌ها حال و هوای عجیبی به آن کوچه و ساکنانش داده است؛ کوچه یک‌متری که دو طرف آن را ساختمان‌های چند طبقه احاطه کرده است. جدا از رنگ به دیوارهای کوچه گلدان گل تازه آویزان کرده‌اند. گلدان‌هایی که با بطری و نخ کتانی درست شده است. افسانه یکی از ساکنان مجتمع‌های کناری است. از رنگ و روی جدید کوچه کنار ساختمانشان تعریف می‌کند؛ رنگ‌ورویی که به قول او به دل می‌نشیند؛ «تا قبل از این رنگ‌آمیزی از کنار این کوچه رد می‌شدم بی‌آنکه حتی برای لحظاتی به این کوچه نگاه کنم. اما از دیروز هر بار که رد شده‌ام، نگاهی به این کوچه انداخته و لذت برده‌ام. انگار چشم‌هایم رنگی شده‌اند.»

با دست به گلدان‌های بنفشه آویزان‌شده اشاره می‌کند و می‌گوید: این گلدان‌ها را می‌بینید؟ این چند روز و با دیدن این گلدان‌ها که با بطری نوشابه درست شده، تصمیم گرفتم بطری‌های نوشابه را نگه دارم تا شبیه این گلدان برای راه پله‌ها درست کنم.

رنگ جدید کوچه‌های خیابان امام رضا(ع)

کوچه امام‌رضا(ع) یک، یکی دیگر از کوچه‌هایی است که شهرداری آسفالت کف کوچه را رنگی کرده است. چند مغازه‌دار داخل کوچه، رنگی کردن کف کوچه را خوب می‌دانند. البته درخواست‌هایی هم دارند. نمونه‌اش درخواست سوپر مارکت انتهای کوچه که می‌خواهد شهرداری کوچه‌های بیشتری از این محدوده را رنگی کند. دلیلی هم که می‌آورد، بافت قدیمی کوچه‌های این محله است. به گفته او بافت قدیمی و حضور زائران می‌تواند دلایلی مهمی برای افزایش تعداد این کوچه‌های رنگی باشد تا زائران نیز به‌دلیل رنگی‌بودن کوچه داخل کوچه بروند و حتی از مغازه‌های داخل کوچه نیز خرید کنند.

اما نکته پایانی او رنگ‌آمیزی شبانه است. می‌گوید: این کوچه ظهر چند روز قبل رنگ شد و به‌خاطر رفت‌وآمد مردمی، رنگ‌ها کمی باهم مخلوط شد. اگر این کوچه‌ها شبانه رنگ شود، این مشکلات نیز پیش نمی‌آید.

Tweets

محمد رضا کلائی/شهردار مشهد
@mrezakalaei

پویش مردمی کوچه‌های رنگی از محلات منطقه۸ شهر مشهد آغاز شده است و سونامی رنگ‌ها سرتاسر شهرمان را دربرخواهد گرفت. این پویش با محوریت شوراهای اجتماعی محلات و اهالی محل به‌صورت داوطلبانه انجام می‌شود. برای بهترشدن حالمان در شهر با هم قدم برداریم.



@saman.rahmati احسنت و خدا قوت. در کنار پل و چپ‌گرد و جاده، این کارها هم حتما لازمه، امیدوارم بیشتر انجام بشه.

@Younes Haghidi رنگ، تنوع رنگی، چیزهایی است که ما خیلی کم داریم. دم شما گرم، شروع خوبی است، برای نمای ساختمان‌های جدید هم فکری بکنید. از خود میدان شهدا و نماهای بی‌هویت و بی‌رنگ آنجا شروع کنید لطفا.

@Jalal لطفا مناطق پایین‌شهر رو هم دریابید.

@omid۸۲۹۲ از اون ایده‌هایی که حال آدمو خوب می‌کنه.

@Sina Soheilifar احسنت این کار خیلی خوب و مؤثر هست؛ ساده اما تأثیرگذار.

@ZarMahdi خدا قوت؛ البته سونامی بار معنایی مثبت ندارد.

@Sadgh76 به پیمانکاران بفرمایید رنگ باکیفیت استفاده کنن، با اولین بارندگی همه رنگ‌آمیزی‌ها خراب می‌شن.

@a.h.hosseizadeh ایشالا که این کار از روی نیازسنجی صورت گرفته و مشکلات محلات با این کار حل می‌شه.

بن‌بست‌های رنگی؛ کوچه‌های نوروزی

تکتم جاوید
t.javid@shahraranews.ir

«در چنین طرحی که بیشتر در کوچه‌های بن‌بست اجرا می‌شود، قصد داریم حال خوش را به شهروندان به‌خصوص اهالی همان کوچه‌ها هدیه کنیم.» این جملات حسین عبدا...زاده، شهردار منطقه۸ مشهد، است که درباره انگیزه اجرای طرح بهارانه کوچه‌های رنگی توضیح می‌دهد: هدف مهم دیگر ما ایجاد حس مشارکت و همدلی مردم است و بنا داریم با اجرای چنین برنامه‌هایی در شهرداری، مردم را به‌سوی همراهی در امور منطقه تشویق کنیم.

اجرای رنگ‌آمیزی کوچه‌ها به‌طور رسمی از سه‌شنبه ۱۹اسفند از چند دیوار در خیابان شیرازی، بهشتی و سراب بهار آغاز شد. به گفته عبدا...زاده، برنامه حوزه فرهنگی باتوجه‌به شرایط آن، دیرتر از دیگر برنامه‌های استقبال از بهار آغاز شده است و درصورت مساعدبودن وضعیت جوی تا پایان سال در کوچه‌های منتخب منطقه۸ ادامه خواهد یافت.

الهام‌بخش حال خوش نوروز

محمد محسن مصحفی، معاون شهردار و رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، کوچه‌های رنگی را کار مشترکی بین اداره شورای اجتماعی محلات و معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد می‌داند که تابه‌حال بازخورد خوبی درمیان مردم داشته است و می‌افزاید: این طرح ابتدا در منطقه۸ آغاز شد و اکنون نیز در دیگر محلات مناطق شهر اجرا می‌شود.

وی همچنین اضافه می‌کند: جو بهارانه زیبایی در کوچه‌ها برپا شده است. ما به خانواده‌ها رنگ و روپوش، خاک و گلدان می‌دهیم، زمین را خط‌کشی می‌کنیم و ادامه کار را می‌سپاریم به آن‌ها که خودشان رنگ‌آمیزی و تزئین کنند. هدف از این برنامه مشارکتی آن است که شهروندان را از خانه بیرون بیاورد و حال و هوا و شادی عید بیشتر شود.

رنگ از شهرداری، نقش از مردم

شهردار منطقه۸ هم که در اجرای این طرح دخیل است، درباره هزینه اجرای طرح اطلاع دقیقی ندارد، اما تأکید می‌کند: تنها هزینه‌های شهرداری، رنگ‌هایی است که دراختیار شهروندان قرار می‌گیرد که مبلغ شایان‌توجهی نیست و در کوچه‌ها و خیابان‌های مختلف هم متغیر بوده و دیگر هزینه‌ها با مشارکت شهروندان است. گلدان‌هایی هم که دراختیار شهروندان قرار می‌گیرد از مواد بازیافتی تهیه شده است و همچنین شهروندان را تشویق کردیم برای درختان تن‌پوش‌های خلاقانه تهیه کنند.

طرحی که در کوچه‌ها اجرا می‌شود، الهام‌گرفته از پارچه‌های چهل‌تکه، به‌طور کلی یکدست اما با تفاوت رنگ‌ها در مناطق مختلف است.

عبدا...زاده با اشاره‌ای به ماندگاری رنگ‌ها اضافه می‌کند: دغدغه اصلی ما زیباسازی فضاهای شهری در آستانه نوروز و حال و هوای بهاری است و رنگ‌های استفاده‌شده چندان مقاومتی ندارند؛ درصورتی که شهروندان از طرح استقبال کنند، شاید اجرای آن را در سال بعد ادامه بدهیم.

برنامه پویش مردمی بهار در محلات

تا قبل از این رنگ‌آمیزی از کنار این کوچه رد می‌شدم بی‌آنکه حتی برای لحظاتی به این کوچه نگاه کنم. اما از دیروز هر بار که رد شده‌ام، نگاهی به این کوچه انداخته و لذت برده‌ام. انگار چشم‌هایم رنگی شده‌اند

کوچه های رنگی

نشانی	تشکل مشارکت کننده
کف خیابان امام رضا(ع) ۱	مسجد ارشادالرضا(ع) و عباسی
کف خیابان شیرازی ۱۴	مسجد ارشادالرضا(ع)
بهشتی ۴۲، بن‌بست شهید جباری	شهروندان محله و مسجد ارشادالرضا(ع)
امام‌خمینی(ره) ۱۴، نبش سراب ۱	مسجد عباسی
پله‌های ملک‌الشعرای بهار ۲۳	مسجد عباسی
جداول نامجو ۲	ارتش و شهروندان
خیابان جنت	کسبه بازار و ورزشکاران

تن‌پوش درختان (بافتنی) و زمین‌های ورزشی

نشانی	تشکل مشارکت کننده
بوستان باغ ملی	باشگاه ورزشی میعاد
زمین ورزشی ارشادالرضا ۱۰	مسجد نور
زمین ورزشی ابتدای بولوار نامجو	کانون قمر بنی‌هاشم

کوچه‌های سبز

نشانی	تشکل مشارکت کننده
دیوار خیابان شیرازی ۱۴	مسجد عباسی
دیوار خیابان شیرازی ۱۶	مسجد عباسی
بهشتی ۴۲، بن‌بست شهید جباری	مسجد ارشادالرضا(ع)
ابتدای خیابان شاهین‌فر، نبش کوچه ورزنده	مسجد عباسی